

ادامه از صفحه اول

فصل «دانات» فرا رسیده است؟

به بیان دیگر -با الهام از تجربه دوره «دانات» در زمان جنگ سرد- این دولت‌های واسط تصور می‌کنند می‌توانند فضای برای همزیستی ایران و آمریکا ایجاد کنند که خود نیز در پناه آن از گزند برخوردار احتمالی این دو قدرت در امان باشند. در واقع، آن‌دسته از منتقدان داخلی دولت که واسطه‌گری و تلاش فرانسه و سایر کشورها برای تنش‌زدایی میان تهران و واشنگتن را برنامه‌ای «همانگ» و دسپسه‌ای از پیش‌تعیین‌شده بر مبنای شگرد «پلیس خوب - پلیس بد» و یک «تله» یا یک «فریب» برای کشاندن ایران پای میز مذاکره می‌خوانند، هنوز باور نکرده‌اند تحلیلگران و سیاست‌مداران در سایر پایتخت‌ها، «ایران» را قدرتی می‌دانند که باید به هر قیمتی از جنگ میان او و آمریکا جلوگیری کرد. به همین دلیل است که مدام در دستگاه دیپلماسی- مانند کودکی که در حیاط بزرگان وارد شده است- انداز و هشدار می‌دهند که مبادا «گول بخورید». مبادا له شوید و مبادا در «زمین» آنها بازی کنید! شاید به همین دلیل نیز باشد که آنها به صورت خودکار و ناخودگاه هرگونه گفت‌وگو میان ایران و آمریکا را به «تسلیم ایران» تعبیر می‌کنند و از تبعات حیثیتی و لطمات آن برای عزت و کرامت ملی سخن می‌گویند. در اصل، آنها از این حقیقت غافل هستند که هرچه توان کشورها در صحنه بین‌المللی افزایش یابد، به تبع نیاز طرفین رقیب به گفت‌وگو برای مرکزکی، تعیین قلمرو و حوزه نفوذ، کاهش احتمال یک رویارویی ویران‌کننده و ایجاد تعادل و موازنه به همان نسبت افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، هرچه قدرت کشورهای رقیب افزایش یابد، به نسبت نیاز امنیتی و راهبردی آنها به ایجاد «دانات» نیز بیشتر می‌شود. متأسفانه، در سال‌های اخیر هرگاه بحث «تنش‌زدایی» و گفت‌وگو با غرب مطرح شده، این تناسب به صورت معکوس و وارونه -از جانب برخی تریبون‌ها و رسانه‌های ملی- به افکار عمومی تزریق شده است و فضایی ایجاد شده که در آن هرگونه تلاش برای ایجاد سازوکارهای کاهش تنش، به «سازش»، «تسلیم» و «عقب‌نشینی» تعبیر شود. طبیعتا در چنین فضای سنگین و غیرواقع‌بینانه‌ای، دستگاه دیپلماسی کشور نیز نمی‌تواند آن‌طور که در سایر کشورهای قدرتمند جهان رسم است -یعنی بدون اینکه مقامات ارشد آن مدام در معرض مواخذه طعنه و فشار سیاسی قرار بگیرند- به دفاع از منافع ملی در عرصه بین‌المللی بپردازد. در نتیجه، امروز که در مقطع حساسی از تاریخ قرار داریم، لازم است این فضای غیرعادی نیز در داخل کشور تغییر کند و فضایی جایگزین شود که هم با جایگاه و منزلت کنونی ایران تناسب داشته باشد و هم با آنچه در صحنه بین‌المللی مرسوم است، سازگاری بیشتری داشته باشد! حقیقت این است که نمی‌شود هم «قدرت» بود و هم با قدرت‌های رقیب تنش‌زدایی نکرد؛ نمی‌شود هم حوزه نفوذ داشت و هم با سایر کشورهای متنفذ نوعی همزیستی نداشت؛ نمی‌شود هم در مقیاس بین‌المللی تأثیرگذار بود و هم با قدرت‌های مؤثر دیگر «تعادل» ایجاد نکرد؛ نمی‌شود هم قدرتی منطقه‌ای و بازنگری بین‌المللی بود و هم ابزار رایج دیپلماسی را -که حتی قدرت‌هایی دارای هزاران کلاهک هسته‌ای نیز از آن استفاده می‌کنند- ابزار فریب و عامل تحقیر دانست؛ در نهایت نمی‌شود هم توان تخریبی و نظامی بالایی ایجاد کرد و هم با سایر قدرت‌هایی که توان تخریبی مشابه و متقابلی دارند، نوعی «دانات» و سازوکار کاهش تنش تعریف و تعبیه نکرد. اگر باور داریم «قدرت» شده‌ایم، لازم است فضای سیاسی داخل کشور را هم با شرایط جدید به‌روز کنیم و تطبیق دهیم.

ادامه از صفحه ۲

درس‌هایی از ۳ زلزله

...بنابراین، مقاوم‌سازی و نوسازی بیمارستان‌های موجود در شهر و همچنین توزیع جغرافیایی مراکز درمانی با تمرکز بر محور شرقی و غربی می‌تواند میزان تاب‌آوری فیزیکی شهر تهران را در برابر مخاطرات طبیعی افزایش دهد. همین وضعیت در شهرهای کرج و قزوین نیز با تمرکز بیشتر مراکز درمانی در بخش مرکزی و قدیمی‌تر این شهرها وجود دارد. در پایان تأکید می‌شود در لحظه باید برای زمین‌لرزه‌ای مانند زمین‌لرزه ۱۰ شهریور ۱۳۴۱ در استان‌های قزوین، البرز و تهران آماده باشیم و مراحل آمادگی را باید گام‌به‌گام و به‌تدریج به پیش ببریم. پیگیری فعالیت‌ها و اقدام‌رابدون آنها، حتی با تعویض دولت‌ها و انتخاب دور جدیدی از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا، مسئله‌ای مهم، راهبردی و ملی است. برنامه چنین فرآیندی باید به دست متخصصان توانمندی که قابلیت‌های هوشی، علمی، اجرایی و مدیریتی در سطح بالای استاندارد جهانی دارند، نوشته شود. به این منظور لازم است با مدیران مختلف سطوح میانی و بالایی در مدیریت بحران کشور که بیشتر به دلیل شناخته‌شدگی سیاسی و نزدیک‌بودن به بخش‌های مختلف حاکمیت، به کار گماشته شده‌اند و کیفیت کارشان در دهه‌های اخیر شناخته شده است، هرچه سریع‌تر خداحافظی کنیم.

شرق: چند سالی است که بحث حقوق و دستمزدها بسیار بر سر زبان می‌آید و قوانین برای اجرای آن نیز پشت‌سر هم تدوین می‌شوند یا بر اجرای قوانین موجود در این زمینه تأکید می‌شود. نظارت بر دریافت حقوق مدیران دولتی که با عنوان حقوق‌های نجومی شهرت یافته بود، بخش اول مبارزه با این ویژه‌خواری‌های کوچک بود. حالا دولت وارد فاز جدیدی شده و تصمیم دارد با نظارت بر حقوق و مزایای کارکنان دولتی، نظارت بیشتری بر پرداختی‌های زیرمجموعه‌های خود داشته باشد. تبصره ۲۱ قانون بودجه سال ۹۸ نیز به این موضوع می‌پردازد. درآمدهای اختصاصی برخی شرکت‌های دولتی که به‌نوعی باج‌دهی دولت به آنها برای اجرای وظایفشان محسوب می‌شد، سبب مقاومت‌های گسترده‌ای از جانب آنها برای اجرای قانون می‌شود. به‌طوری‌که به گفته کارشناسان، دستگاه‌های دولتی احتمالا داده‌های کاملی را در اختیار خزانه‌داری کل کشور قرار نمی‌دهند و به همین سبب نیز باید به فکر یک سیستم جامع برای دریافت این داده‌ها بود، حتی اگر ایجاد بستر فنی آن یکی دو سالی به‌طول بینجامد.

تبصره ۲۱ چه می‌گوید؟

براساس تبصره ۲۱ قانون بودجه سال ۱۳۹۸: الف- به‌منظور ایجاد انضباط مالی، هماهنگی و پرداخت به‌موقع حقوق کارکنان، کلیه دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه موظف‌اند از ابتدای سال ۱۳۹۸ اطلاعات مربوط به هرگونه پرداخت از محل منابع عمومی خزانه‌داری کل کشور قرار دهند:

۱- اطلاعات مربوط به هرگونه پرداخت به کلیه اشخاص حقیقی شامل رسمی، پیمانی، قراردادی و تمام‌وقت و پاره‌وقت، در هر قالبیِ مانند حقوق و مزایا، کارانه، اضافه‌کاری، انواع فوق‌العاده، حق عائله‌مندی و اولاد و همچنین هرگونه پاداش، به تفکیک شناسه ملی

۲- اطلاعات مربوط به سایر هزینه‌های دستگاه‌های اجرائی در قالب شناسه ذیف نفع نهایی (اشخاص حقیقی و حقوقی) به‌جز در مواردی که به تشخیص شورای عالی امنیت ملی مجرمانه تلقی می‌شود.

۳- وزارت اطلاعات، ستادکل و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و نیروهای انتظامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران و شورای عالی امنیت ملی از شمول جزء(۱) این بند مستثنا هستند. تخصیص اعتبار دستگاه‌های اجرائی منوط به ارائه کامل اطلاعات مذکور است و عدم رعایت مفاد این بند در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی محسوب می‌شود.

اجرای این قانون البته از نظر برخی کارشناسان، امکان اجرایی‌شدنش با اماوگرهایی همراه است. در ادامه به اظهارنظرهای کارشناسی در این زمینه خواهیم پرداخت.

اقتصاد

تبصره ۲۱ قانون بودجه اجرایی نشد

بودجه به شرط لیست حقوق



به‌طور قطعی اجرائی کنیم، باید این قانون به‌صورت دائم تبدیل شود.

به گفته او، سالانه‌بودن این قانون، سبب می‌شود که اجرای آن از سوسی مدیران با ظفره روبه‌رو شود و گاهی از آن سر باز بزنند. تفریق بودجه معمولاً با دو سال فاصله انجام می‌گیرد و مدیران ترجیح می‌دهند آن را اجرائی نکنند، زیرا پس از دو سال نهایتاً با چند مدیر متخلف برخورد می‌شود و اتفاق ویژه‌ای رخ نمی‌دهد.

شرکت‌های دولتی، حیاط‌خلوت مدیران

او در ادامه می‌گوید: شرکت‌های دولتی به‌نوعی حیاط‌خلوتی برای مدیران دولتی محسوب می‌شوند؛ بنابراین برای اجرای این نوع قوانین، باید سیستم و پایگاه داده‌ای کامل و مجهز از لحاظ فنی از طریق زمینه‌های قانونی ایجاد شود تا جلوی دوزردن این قوانین را گرفت. این کارشناس تأکید کرد: در ابتدا باید جلوی منافذ فسادهای میلیاردي را گرفت و بعد‌ازآن به دنبال چابک‌سازی دولت و واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی باشیم. نهادهای عمومی غیردولتی و خصولتی باید در کنار آنها تعیین تکلیف شوند. دراین‌بین منافعی برای فساد وجود دارد که باید جلوی آنها را گرفت.

فیاضی در ادامه می‌افزاید: مورد دیگری که باید در کنار اجرای این قانون مدنظر داشت، اجرای اصل ۱۴۱ قانون اساسی است. طبق این‌اصل، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت‌مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنا است. اگر این اصل اجرائی شود، کسی نمی‌تواند بیش از یک شغل داشته باشد؛ بنابراین خودبه‌خود بسیاری از

پرداخت‌ها محدود شده و بسیاری از آنها که اکنون قابل رصد نیست، کنار گذاشته می‌شود. تصدی بیش از یک شغل، با وجود آنکه در قانون اساسی آمده و در قانون نیز بر آن تأکید شده است، آن نیز اجرائی نمی‌شود.

این قانون، اجراشدنی است

ایبوزر ندیمی، نماینده ادوار و کارشناس ارشد سازمان برنامه و بودجه، در گفت‌وگو با «شرق» با نگاهی به تبصره ۲۱، گفت: تحقق منابع شرط اول پرداخت است. به طور طبیعی چون بودجه براساس تخمین تدوین می‌شود، تحقق درآمد تعیین‌کننده‌ترین عامل اجرای وظایف قانونی دولت محسوب می‌شود. به بیانی دیگر، اگر درآمدهای مدنظر همراهه از نظر منابع درآمدهای مالیاتی، صادراتی و... محقق نشود، مجری با باید از طریق جابه‌جایی‌ها آن را انجام دهد یا اینکه با خطر تأخیر روبه‌رو شود. دولت‌ها عموماً برای اینکه این مشکل را حل کنند، به جابه‌جایی محدود روی می‌آورند تا پرداخت حقوق‌ها به‌موقع انجام شود؛ اما گاه ممکن است این امکان با محدودیت‌هایی روبه‌رو شود. درهرحال، پرداخت به‌موقع حقوق، بر زندگی حقوق‌بگیران دولتی اثرگذار است. هرچند این ارقام، برای هر کارمند، اندک به حساب می‌آید؛ اما وقتی مجموع می‌شود، رقم کلانی را نمایندگی می‌کند و تأخیر در پرداخت آن، به معنای میلیون‌ها نفر/روز تأخیر است. مکانیسم‌های مربوط به پرداخت به دلیل اهمیت ویژه آن، امکان اجرای آن را ضروری و البته ممکن می‌کند.ندیمی با بیان اینکه در راستای هرگونه اطلاعاتی باید آثار آن را نیز سنجید، می‌گوید: اطلاعات حقوق و دستمزد از جهت معلوم‌شدن افراد یا تعداد در حوزه کشوری، با لشکری متفاوت است. طبیعتاً در حوزه نظامی، نباید در حوزه اطلاعات پرداخت‌ها به گونه‌ای عمل کنیم که اطلاعات مربوطه با ورود، بنابرین باید به اعداد سرجمع در این بخش‌ها اکتفا شده و اطلاعات مربوط به اعداد و ارقام، محفوظ بماند.بااین‌حال او با نگاهی به شرکت‌ها و زیرمجموعه‌های اقتصادی این بخش‌های نظامی و امنیتی می‌افزاید: این بخش باید به صورت توافق حل شود. به تعبیر دیگر، در بخش‌های اقتصادی که بعد نظامی‌گری نداشته و با نگاه حمایتی در اقتصاد عمل می‌کنند، باید مجموعه دریافت‌ها را اعلام کرد و برای نظارت بر آن مجموعه‌ها از نظر مسائل مربوط به حقوق، کنترل‌های لازم صورت بگیرد و درز اطلاعات انجام نگیرد.

این مقام مسئول در ادامه افزود: به طور طبیعی همه پرداختی‌های دولتی، یک حکم دارند. اشراع و عدم اشراع دیگر حکم واحد دیگری دارد. در پرداختی‌هایی که از خزانه صورت می‌گیرد، در حوزه عمومی، دولت همه آن آثار را قبلاً رصد کرده است و مشکلی در این زمینه وجود ندارد؛ اما ممکن است برخی از پرداخت‌ها از محل بودجه عمومی نباشد؛ مانند نظام‌های درآمدی هزینه-درآمد که درآمد آنها به صورت اختصاصی است که این بخش‌ها ردیف بودجه‌ای دارند و اطلاعات آنها از این طریق رفع و رجوع می‌شود.

خبر

آقای رئیس‌کل این تبعیض‌ها نشانه چیست؟



● نشست‌های خبری، جلسات مشورتی غیرقابل پوشش و حالا همایش‌های سالانه محلی برای تبعیض‌های مکرر رسانه‌ای بانک مرکزی شده است. عبدالناصر همتی پیش از آنکه برای ریاست بانک مرکزی انتخاب شود، به‌عنوان یک مدیر رسانه‌ای شناخته می‌شد. کمتر پیش می‌آمد درخواست خبرنگاری را برای انجام گفت‌وگو رد کند. شاید سابقه همتی در صداوسیما به‌عنوان مدیرکل خبر، او را به رسانه‌ها نزدیک کرده بود. وقت رئیس بیمه مرکزی برای خبرنگاران محدودیت نداشت و وقتی برای مصاحبه اختصاصی به اتاقش می‌رفتیم؛ تا پایان سؤالات می‌نشست و به تک‌تک آنها پاسخ می‌داد. با آمدن همتی به بانک مرکزی تصور بر این بود که در مقایسه با زمان ولی‌الله سیف دست خبرنگاران برای گفت‌وگوهای اختصاصی بازر و تهیه مطالب راحت‌تر می‌شود؛ اما این یک خیال خام نبود. نهم‌تا همتی دیگر آن مدیر رسانه‌ای سابق نیست؛ بلکه تمام مدیران و معاونانش هم از انجام گفت‌وگو منع شدند. شرایط کشور، شرایط ویژه‌ای است و به دلیل حساسیت‌هایی که سیاست‌های ارزی و پولی کشور دارد، درک کردیم که شاید در سکوت رسانه‌ای کارها راحت‌تر پیش بود. پذیرفتیم که اخبار را بیشتر از صفحات شخصی آقای رئیس پیگیری کنیم و گزارش‌ها را بدون اظهارنظر رسمی بانک مرکزی بنویسیم. اما آیا برگزاری جلسات مشورتی فقط با چند رسانه منتخب هم پذیرفتنی است؟ اگر بپذیریم که جلسات مشورتی هم انتخابی باشد. آیا برگزاری همایش‌های تخصصی سالانه بانکداری اسلامی فقط با حضور چند رسانه منتخب هم پذیرفتنی است؟ آقای همتی تبعیض برای پوشش یک همایش از یک نفر بیشتر می‌گیرد؟ چرا برای همایشی که در سال یک بار برگزار می‌شود و خبرنگاران می‌توانند سؤزه‌های خود را از کارشناسان حاضر در همایش پیگیری کنند، فقط چند خبرگزاری و چهار روزنامه دعوت می‌شوند؟ این روزنامه‌های شرق، اعتماد، آرمان، آفتاب یزد، جام جم و... نبودند اما از بعضی رسانه‌های منتخب و مورد نظر روابط عمومی شما، یک تیم کامل شامل خبرنگار و عکاس و فیلم‌بردار دعوت شدند؟ چرا از صدر تا ذیل یک رسانه خاص باید در این‌گونه مراسم حضور داشته باشد، اما از حضور خبرنگار روزنامه‌های پرتیراژ دریغ شود؟ گزارش تصویری مراسم که در سایت آن بانک منتشر شده است را دیدیم و تعجب کردیم؛ این موضوع چه پیامی برای جامعه رسانه‌ای دارد؟ شما در موضوع کنترل نرخ ارز تأکید داشتید که رسانه‌ها کمک زیادی به بانک کرده‌اند. آیا منظور از کمک نشرندادن اخبار است؟ چرا بانک مرکزی رسانه‌ها را تقسیم کرده است؟

خبر ویژه

با حضور معاون اول رئیس‌جمهور وزیر کار افتتاح ۶۴۳ پروژه تعاونی در کل کشور

● معاون‌اول رئیس‌جمهور گفت: هرزمان یک واگذاری صورت می‌گیرد، یک بخشی می‌آیند و با نیت‌های خاص علیه آن واگذاری شبهه‌افکنی می‌کنند که ما برای همین یک شورای تشکیل دادیم که افرادی خارج از دولت بایند و درباره این واگذاری‌ها اظهارنظر کنند.اشحاق جهاگیرهی در این مراسم که در مجموعه فرهنگي تلاش برای بهبود به‌صورت دیتونوگفرانس برگزار شد، پس از ارائه گزارش استانداران اصفهان، مازندران، فارس و البرز، با صدور فرمان افتتاح این ۶۴۳ پروژه، اظهار کرد: بخش تعاون می‌تواند گره‌های بزرگی از اقتصاد کشور باز کند و باید کمک کنیم که این امر به جایگاه خود برسد.او با اشاره به ایجاد اشتغال برای ۱۸ هزار نفر با افتتاح این پروژه‌ها، تأکید کرد: از همه مدیران و پیمانکاران این طرح و نیز مدیران بخش تعاون و استانداران که گزارش‌های خود را در زمینه چگونگی بهره‌برداری از طرح‌های تعاون ارائه کردند، تشکر می‌کنم.معاون‌اول رئیس‌جمهور درهمین‌حال تصریح کرد: امیدوارم با تلاش جدی که همه دوستان انجام می‌دهند، بخش تعاون بتواند جایگاه مطلوب در اقتصاد کشور داشته باشد.او افزود: زمانی که بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی به تدوین قانون اساسی متأسب با آرمان جمهوری اسلامی مشغول بودند، در بخش اقتصادی سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی را تعریف کردند که تا پیش از آن چندان در قانون اساسی کشور به آن توجه نشده بود. البته کسانی که در تدوین قانون اساسی نقش داشتند، همه‌شان در یک‌جا باهم توافق داشتند و آن هم بیم و ترسان از سرمایه‌داری بود و فکر می‌کردند حمایت از مردم و مستضعفان فقط توسط بخش دولتی می‌تواند انجام شود و به همین دلیل نقش فراوانی برای دولت در قانون اساسی قائل شدند.

جنگل‌های آق مشهد برخلاف فتوای مراجع عظام، وقفی اعلام شده است

تلاش اوقاف برای بهره‌برداری از جنگل‌های شمال

به گفته این منبع مطلع، درحال حاضر که بهره‌برداری از جنگل هم ممنوع شده است، برداشت درختان شکسته و افتاده هم مثل بقیه درختان با آن برخورد می‌شود و تفاوتی ندارد. آق مشهد موقوفه قلمی بود و متولی داشت، خود سازمان اوقاف تفاهم‌نامه را امضا کرده بود، اما متولی موقوفه یک مقداری همکاری نمی‌کرد.

اگر چه حفظ کاربری و مالکیت اراضی جنگلی در حیطه وظایف معاون حفاظت و امور اراضی سازمان جنگل‌هاست و در موضوع جنگل‌های آق مشهد یا پنج هزار هکتار از جنگل‌های کهن‌سال هیرکانی در میان است، اما بهمن افراسیابی، معاون حفاظت و امور اراضی سازمان جنگل‌ها، در گفت‌وگو با «شرق» اعلام می‌کند که مسئله آق مشهد در حیطه وظایف من نیست و باید با معاون امور جنگل در این رابطه صحبت کنید.

ستار بابایی، مدیرکل سابق منابع طبیعی مازندران-ساری نیز در ارتباط با جنگل‌های آق مشهد در گفت‌وگو با «شرق» اعلام می‌کند: بر اساس فتوای شرعی، جایی که می‌خواهید وقف کنید، باید در به‌وجودآمدنش دخیل باشید، بنابراین معنی ندارد که درخ ۴۰۰ ساله را وقتی وقف می‌کنید. او می‌گوید: سندن که ارائه می‌دهند متعلق به صد یا کمی بیش از صد سال پیش است، اما درختان این جنگل عمر بیشتری دارند. نمی‌توان بلوط ۵۰۰ ساله را وقف کرد.بابایی اضافه می‌کند: در روزهایی که در اداره کل منابع طبیعی ساری بودم، منابع طبیعی محکوم شد و ما درخواست ماده ۱۸ (یا همان ۴۷۷) کردیم که نمی‌دانم نتیجه چه شد. تا زمانی که در ساری بودم، متولی موقوفه قلم حکم کتبی علیه من گرفت که مرا بازداشت کند، اما من اعلام کردم که به‌این‌ترتیب پنج هزار هکتار جنگل دچار مشکل می‌شود.به گفته بابایی، درحال‌حاضر متولیان موقوفه یادشده رای دادگاه را در اختیار دارند و رای آنها نقض نشده است.او درباره دلایل اجرائی‌نشدن تفاهم‌نامه اوقاف یادآور می‌شود: اوقاف با سازمان جنگل‌ها تفاهم‌نامه دارد، اما اعلام می‌کند که جنگل‌های آق مشهد متولی دارند. تفاهم‌نامه مربوط به مناطقی است که متولی ندارند. در صورتی که در ابتدای پیگیری قضائی جنگل‌های آق مشهد، هم اداره اوقاف شهرستان و هم نماینده اوقاف، در جلسات شرکت و از اداره منابع طبیعی شکایت می‌کردند، اما درحال‌حاضر اوقاف خود را کنار کشیده است و نماینده واقف کارها را پیگیری می‌کند، درحالی‌که قاعداً برابر توافق‌نامه، باید اوقاف به موضوع وارد شود و اعلام کند که توافق ما این بود که جنگل وقف‌پذیر نیست.مدیرکل سابق منابع طبیعی مازندران- ساری می‌گوید: درحال‌حاضر پرونده آق مشهد قضائی شده است و دادما درخواست پیگیری کتبری می‌کند. حتی برای من هم در زمان مدیریتم قرار صادر کردند.

آق مشهد، طرح توقف بهره‌برداری از جنگل‌های شمال موصوف به تنفس به تصویب می‌رسد. براساس این طرح هرگونه بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ممنوع اعلام می‌شود؛ به جز درختان شکسته و افتاده که با نظر کارشناسان سازمان، اجازه خروج از جنگل‌ها را پیدا می‌کنند، اگرچه بخشی از موافقان تنفس بر این باور بودند که برداشت درختان شکسته و افتاده هم می‌تواند به محملی برای دوزردن قانون تبدیل شود؛ اما در نهایت این بند در قانون باقی ماند تا به ابزاری برای دخل و تصرف در جنگل تبدیل شود. همان روزهایی که بحث استیضاح محمود جنتی، وزیر جهاد کشاورزی، در مجلس داغ شده بود، به دنبال قول مساعد خلیل آقایی، رئیس سازمان جنگل‌ها، به علی‌اصغر یوسف‌نژاد و محمد دامادی برای بهره‌برداری از درختان شکسته و افتاده، تلاش اوقاف هم برای بهره‌گیری از درختان شکسته و افتاده جنگل‌های آق مشهد افزایش می‌یابد. این تلاش‌ها منجر به این شد که کامران پورمقدم، رئیس شورای‌عالی جنگل‌ها، در نامه‌ای که در تاریخ ۲۱ اردیبهشت سال جاری نوشته شده است، از مسئولان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران (ساری) بخواد عملیات خروج درختان شکسته و افتاده از محدوده جنگل‌های آق مشهد و فروش چوب‌های جمع‌آوری‌شده آن را با هماهنگی دادستانی استان انجام دهند و در صورت موافقت دادستانی، اقدامات لازم اجرائی انجام شود. در این نامه اعلام می‌شود که در صورت موافقت‌نکردن دادستانی باید برداشت از درختان شکسته و افتاده از جنگل‌های آق مشهد تا تعیین تکلیف حقوقی اراضی مورد مناقشه، متوقف شود. براساس دستور رئیس شورای‌عالی جنگل، اداره کل منابع طبیعی ساری باید محدوده‌های جدیدی را به منظور جایگزینی با درختان شکسته و افتاده آق مشهد به شورای‌عالی جنگل پیشنهاد دهد.

توافقی برای خروج جنگل‌ها از شمول وقف

یک منبع مطلع درباره ماجرای جنگل‌های آق مشهد به «شرق» می‌گوید: سازمان جنگل‌ها از ابتدا هم رای دادگاه را قبول نکرد. درخواست اعاده دادرسی داد و از متولی موقوفه‌نامه دریافت کرد. او ادامه می‌دهد: در قالب توافقی با اوقاف اقداماتی انجام شد. توافق‌نامه سازمان جنگل‌ها با اوقاف می‌گوید که جنگل‌های طبیعی در ید منابع طبیعی می‌ماند و موقوفه قلمداد نمی‌شود. بر این اساس جنگل‌های آق مشهد هم وقفی نبود و سازمان جنگل‌ها پذیرفت اگر در پنج هزار هکتار منطقه مورد مناقشه، عرصه غیرجنگلی مثل دامسرا باشد، در سهم موقوفه قرار گیرد.

لیلا مرگن: طبق فتوای مراجع عظام تقلید، اراضی ملی نمی‌توانند جزء موقوفات باشند. باوجوداین شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر مازندران سندن مالکیت دولت بر پنج هزار هکتار از جنگل‌های کهن هیرکانی واقع در منطقه آق مشهد را باطل و این جنگل‌ها را وقفی اعلام کرده است. با وجود آنکه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور با سازمان اوقاف تفاهم‌نامه‌ای دارد که براساس آن هیچ جنگلی وقف‌پذیر نیست، متولی اراضی موقوفه آق مشهد، به مفاد این تفاهم‌نامه پایبند نیست. این متولی قصد دارد از اراضی‌ای که مدعی موقوفه‌بودن آن است، درآمدزایی کند. با تصویب طرح تنفس جنگل، بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ممنوع شد؛ اما با مطرح‌شدن بحث برداشت از درختان شکسته و افتاده، مالکان موقوفه یادشده تلاش می‌کنند تا از درختان شکسته و افتاده جنگل‌های آق مشهد بهره‌برداری کنند. درحالی‌که طبق شرع، افراد بر مناطقی که در ایجاد آن نقشی نداشته‌اند، مالکیت نداشته و حق وقف آن را ندارند. معلوم نیست دادگاه‌های مازندران براساس کدام سند و به حکم کدام منبع شرعی، ملی‌بودن جنگل‌های آق مشهد را نقض کرده‌اند.پنج هزار هکتار از جنگل‌های آق مشهد واقع در استان مازندران در خطر بهره‌برداری غیراصولی قرار دارند. این جنگل‌ها که بخشی از جنگل‌های هیرکانی هستند، معلوم نیست بر چه اساسی موقوفه اعلام شده‌اند و حالا متولیان این موقوفه که در دادگاه هم رای به نفع آنها صادر شده است، قصد دارند از این عرصه طبیعی که بخشی از انفال است و به اشتباه در دسته موقوفه‌ها قرار گرفته است، استفاده اقتصادی کنند. شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران، حکم ملی‌بودن این جنگل‌ها را باطل کرده و آن را در سال ۹۰ موقوفه اعلام می‌کند. سازمان جنگل‌ها به این حکم اعتراض می‌کند و برای اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کتبری برای نقض دو دادنامه‌ای که از طرف شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران و شعبه سوم دیوان عالی کشور صادر شده است، تلاش می‌کند؛ اما با وجود پیگیری‌های متعدد، به نتیجه نمی‌رسد. تمام اراضی‌ای که موقوفه اعلام شده است، قدمت چندهزارساله دارد و دارای درختان توسکا، راش، مرز، بلوط و شمشاد است. در وقف‌نامه به نظر می‌رسد که واقف صرفاً اراضی زراعی دو محله «کلج خیل» و «کمر خیل» پلاک ۵۵ واقع در بخش ۳ ثبت ساری شامل اراضی آبی، دیم، مراتع کوهسفندی و گاوی را وقف کرده است؛ اما در دادگاه به این مسئله توجه نمی‌شود و پنج هزار هکتار جنگل طبیعی هم به موقوفه اضافه می‌شود.

تلاش برای برداشت درختان شکسته و افتاده

در خلال کش‌وقوس‌ها بین سازمان جنگل‌ها و اوقاف بر سر اراضی